



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۳/۲۵

عبدالقیوم میرزاده

جنگ و خشونت راه حل نیست

مردم کشور عزیز ما افغانستان پنجاه سال است که به نحوی قربانی سیاست خشونت بمثابه اعمال فشار در انواع نهایت وحشیانه ضد انسانی آن چون تروریزم، قتل عام کتله های بزرگ انسانی، استفاده از سلاح های کشتار جمعی در میان مردم ملکی، انفجارات و پیشبرد جنگهای مدش در محلات مسکونی مردم با توجیه های متنوع مذهبی، غیر مذهبی و حاکمیت های تک حزبی میباشند. عاملین این خشونت اعم از مذهبیبون افراطی و غیر افراطی و غیر مذهبیبون تحت هدایات و نسخه های سازمان های استخباراتی خارجی و داخلی چنان ظلم و وحشتی را بر مردم ما روا داشتند که روی چنگیز، هلاکو و دیگران را سفید کردند.

اما در این پنجاه سال این سیاست اعمال خشونت به جزء اینکه همه روزه از میان مردم ما قربانی های بیشتر انسانی بگیرد، همه داشته ها و هستی کشور ما را نابود گرداند، فرهنگ خشونت را در میان باشندگان کشور ما نهادینه و تداعی کند که در نتیجه سبب تشکیل یک ملت خشن گردیده است و قشر های بیشتر و بیشتری از مردم ما را به خارجیان و سازمانهای استخباراتی شان وابسته سازد، هیچ دردی و آلامی از درد ها و نا بسامانی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ما را مداوا نکرده است.

اکنون میبینیم که خشونت گرایی و اعمال خشونت از منزل تا سرا پای جامعه به فرهنگ عمومی جامعه مبدل گشته است. قریب اکثریت مردم و جریان های سیاسی کشور ما همه خشونت را با خشونت جواب میدهند و به این ترتیب در سر تا پای جامعه خشونت و اعمال قهر آمیز مسلط گشته است.

اگر با ژرفنگری و در نظر داشت منافع علیای ملی اوضاع و رویداد های پنجاه سال اخیر کشور محبوب ما افغانستان را بررسی کنیم بخوبی درمی یابیم که خشونت، جنگ و اعمال قهر آمیز در هیچ عرصه از عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی نه تنها کار آمد، مؤثر و کامیاب نبوده بلکه هر بار ناکامی، جنبه ها و چهره های کریح ضد انسانی خویش را به نمایش گذاشته و مردم ما را بیشتر از پیشتر تحت سلطه بیگانگان در آورده و کشور را به نابودی سوق داده است.

با تأسف با وصف این ناکامی های مشهود سیاست خشونت و جنگ هنوز هم گروه هایی از همان خشونتگران سابق که یا خود عاملین خشونت هستند و یا پدران شان در این اعمال ضد انسانی پنجاه سال اخیر کشور بر علیه مردم و کشور ما مجرم هستند، هنوز هم از ریختن جویبار خون هموطنان ما سیراب نشده اند، زیر نام های کذابی مقاومت و جبهه آزادی و غیره طبل جنگ مینوازند و با کشتار مردم عوام، ترور حامیان مبارزات مسالمت آمیز و آنهاييکه از اوامر این خشونتگران سر باز میزنند

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرو مخکې په خير و لولې

که بار مسئولیت آنرا نیز بدوش حاکمیت بر سر اقتدار می اندازند، میخواهند یکبار دیگر مردم ما را در قهقرای وابستگی های سیاسی - اقتصادی - نظامی و فرهنگی رهنمون گردند.

برای رهایی از وابستگی و سلطه خارجی مردم و اداره کشور، برای تامین امنیت و ثبات در سرتاسر کشور، برای دستیابی به نیازمندی های نهایت ضروری مردم، برای تحقق آرمانهای انسانی مردم، برای اعاده و احیای حقوق و آزادی های انسانی مردم و تامین عدالت درحالات امروز و فردای کشور ما لازم است تا همه سیاسیون و مردم کشور از تمام ناکامی های، سر افکنگی های، ذلت های، وحشت و دهشت گذشته درس عبرت گرفته به این باور رسیده باشند و یا برسند که همه این تجربه های ناکام جنگ و خشونت ما را بیشتر به قهقرا میبرد و دیگر فریب دسایس دشمنان افغانستان را نخورند که آنها منافع شان را صرف در یک افغانستان ضعیف، بی ثبات و در حال جنگ و برادرکشی جستجو میکنند و غلام بچگان شان مجری این سیاست های خشونت بار و جنگ افروز هستند.

در همچو شرایط ناگوار ناکامی های، عقبگرد ها و بحران که مردم ما پنج دهه با جنگ و خشونت همگام و همسفر بودند و این پدیده شوم سراپای جامعه را فراگرفته و طوریکه در بالا ذکر کردم به فرهنگ مسلط در جامعه مبدل گردیده است، سیاسیون، متفکرین، نویسندگان، شخصیت های با اعتبار جامعه اعم از مرد و زن و جوانان و مردم کشور ما با عبرت از پنج دهه تاریخ خونبار خشونت و جنگ در کشور راه های عدم خشونت و مبارزه مسالمت آمیز را در پیش گرفته و سیاست های جنگ افروزان و خشونتگران نه بگویند و مردم را در راه های مبارزات مسالمت آمیز مشوق گردند. سعی میکنم در آینده طی مقالات جداگانه شیوه های مبارزه مسالمت آمیز را مطابق به شرایط کشور ما و با در نظر داشت منافع علیای ملی بنویسم.